

The Conflict of Legal Immunity of a Lawyer with His Professional Responsibility in the Judicial System of Iran, England, America and Canada

Kamal Raouf¹, Alireza Shamshiri^{2*}, Bakhtiar Abbasloo²

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The immunity of the lawyer in the position of defense is recognized in the legal systems of Iran and the researched countries, with differences and sometimes contradicting each other. In the laws and jurisprudence of the studied countries, the application of this privilege faces minor conflicts, but in the legal system of Iran, the legal immunity of a lawyer, despite numerous laws and regulations and a relatively long history, is still a vague issue and sometimes conflicts with responsibility. He is known as a professional and civil lawyer. Opponents of the lawyer's immunity, based on the principle of equality of all before the law, consider it necessary that in the event of a disciplinary violation, causing harm to others or committing a crime by a lawyer during the practice of law, he should be prosecuted or held accountable. However, the legal system of the studied countries, relying on the long judicial procedure regarding the professional immunity of the lawyer, has been able to achieve a clear definition of it and act correctly and effectively in confronting the immunity with the responsibility of the lawyer, and by specifying the limits and loopholes. It will reduce the conflict and limit the possibility of abusing this legal advantage. In Iran's legal system, despite the relatively long legislative history in the field of legal representation, the lawyer's judicial immunity is still known to be ambiguous and sometimes in conflict with his responsibility. The purpose of this research is to identify this legal privilege and how to apply it in case of conflict with the professional responsibility of the lawyer, which was done by studying the regulations, judicial opinions and the theories of jurists of the researched countries in a comparative method.

Keywords: The Professional Responsibility of Lawyer, Judicial Immunity, Qualified Immunity, Conflict Theory, Absolute Immunity

* Corresponding Author: shamshiri.f@gmail.com



Article Type:

Original Research

Pages: 3-37

Received: 2023 October 03

Revised: 2024 February 05

Accepted: 2024 May 13



تعارض مصونیت قضایی و کیل دادگستری با مسئولیت حرفه ای او در نظام قضایی ایران، انگلستان، امریکا و کانادا

کمال رئوف^۱، علیرضا شمشیری^{۲*}، بختیار عباسلو^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مصونیت وکیل دادگستری در موضع دفاع در نظام های حقوقی ایران و کشورهای مورد پژوهش، با تفاوتی و بعضا مغایر با یکدیگر به رسمیت شناخته می شود. در حقوق و رویه قضایی کشورهای مورد مطالعه، اعمال این امتیاز، با تعارضاتی جزئی مواجه است، اما در نظام حقوقی ایران، مصونیت قضایی وکیل با وجود قوانین و مقررات متعدد و سابقه نسبتا طولانی، همچنان، موضوعی مبهم است و بعضا در تعارض با مسئولیت حرفه ای و مدنی وکیل شناخته می شود. مخالفین مصونیت وکیل، بر اساس اصل تساوی همگان در برابر قانون، لازم می دانند که در صورت بروز تخلف انتظامی، ورود زیان به غیر یا ارتکاب جرم توسط وکیل در اثنای وکالت، مورد پیگرد یا بازخواست قرار بگیرد. اما نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه با اتکاء بر رویه قضایی طولانی در رابطه با مصونیت حرفه ای وکیل، توانسته به تعریفی روشن از آن دست یافته و در رویارویی مصونیت با مسئولیت وکیل، به طور صحیح و موثر عمل نماید و با مشخص نمودن حدود و ثغور آن، تعارض را کاهش داده و امکان سوء استفاده از این مزیت قانونی را محدودتر نماید. در نظام حقوقی ایران، با وجود سابقه قانونگذاری نسبتا طولانی در زمینه وکالت دادگستری، همچنان مصونیت قضایی وکیل، مبهم و گاه در تعارض با مسئولیت او شناخته می شود. هدف این پژوهش، شناسایی این امتیاز قانونی و نحوه اعمال آن در صورت تعارض با مسئولیت حرفه ای وکیل است که با مطالعه مقررات، آرای قضایی و نظریه های حقوقدانان کشورهای مورد تحقیق به روش مقایسه ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت حرفه ای وکیل، مصونیت قضایی وکیل، تعارض مصونیت با مسئولیت،

مصونیت نسبی، مصونیت مطلق



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳-۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

جایگاه حساس و نقش مهم و موقعیت خطیر وکیل دادگستری در موضع دفاع و برپایی عدالت و گسترش آن در جامعه مدنی، موجب شده تا نظام های حقوقی مختلف، مصونیت قضایی وکیل در هنگام دفاع را به رسمیت بشناسند. تضمین استقلال و بهبود عملکرد قاضی در قضاوت و وکیل در دفاع، از دلایل اصلی این امتیاز قانونی محسوب می شوند. در عین حال، مخالفین مصونیت قضایی وکیل، آنرا در تعارض با حقوق اشخاص دانسته و به اصولی مانند اصل حفظ حقوق مادی و معنوی شهروندان و برابری همگان در مقابل قانون استناد می نمایند. در حقوق ایران در قوانین و مقررات متعددی که در این پژوهش اشاره خواهد شد، مصونیت وکیل در هنگام وکالت یا دفاع حرفه ای، به رسمیت شناخته شده و عدم رعایت آن توسط مامورین و مقامات رسمی، تخلف انگاری و حتی جرم انگاری شده است. اما همچنان سوالاتی مانند اینکه مصونیت شامل چه مواردی است، آیا مصونیت وکیل در تعارض با مسئولیت حرفه ای اوست و موجب سوءاستفاده می شود؟ و آیا مصونیت به عنوان دفاع در دعوی در نظر گرفته می شود یا اینکه از اساس، منع تعقیب قضایی را در پی دارد؟ باقی است. لذا این پژوهش به بررسی موارد مزبور در نظام حقوقی، قضایی و نظریه های حقوقی کشورهای مورد نظر که سابقه طولانی در وکالت حرفه ای به شیوه نوین دارند، می پردازد.

۱- تبیین مصونیت قضایی وکیل

اصطلاحات «امتیاز» و «مصونیت»^۲ لزوماً دارای معنی یکسانی نیستند اما آنها برای اهداف این مقاله به جای یکدیگر استفاده خواهند شد (Anenson, ۲۰۰۷: ۹۱۷).

1. Privilege

2. Immunity

۱-۱- معنا و مفهوم مصونیت قضایی

مصونیت به معنای معاف بودن از تکلیف، مسئولیت و هرگونه معافیته است که طبق قانون به یک مقام رسمی اعطاء می شود. اما در اصطلاح حقوقی عبارت است از دارا بودن حق دفاع در برابر ادعای مسنولیت مدنی توسط شخصی که بر اساس قانون، شرایط خاص یا مصلحت عمومی، دارای این امتیاز است (Garner, ۲۰۰۱: ۷۵۲).

مصونیت، به معنای مستثنی بودن از قانون خاص نیز آمده است (others & Fellmeth, ۲۰۱۹: ۱۹۹).

مصونیت به معنای خاص، «معافیت از تمام یا بخشی از مراحل قانونی و قضاوت» است. مصونیت وکیل که برگرفته از اصل حمایت قضایی است، به منظور محافظت از گزند هرگونه تخطئه، سوءظن و سوءقصد در مقام دفاع حرفه ای است، تا وکیل بتواند با تکیه بر آن با احساس امنیت به فعالیت حرفه ای بپردازد. حمایت قضایی در حقیقت «به رسمیت شناختن نفع، مزیت، یا وضعیت خاص برای یک شخص» است (Anenson, ۲۰۰۷: ۹۱۶).

نیاز وکلا به اقدام آگاهانه در قلب یکی از ارزش ترین اصول حرفه ای، یعنی مصونیت رابطه وکیل و موکلی است؛ دیوان عالی ایالات متحده در پرونده ای علیه دولت فدرال در سال ۱۹۸۱ این مصونیت را به رسمیت شناخت که اگر وکلا طبق قانون ملزم شوند که مکالمات خود با موکل را بازگو نمایند، موجب تضعیف صریح این مزیت قانونی می شود (Rosen & Fisch, ۲۰۰۳: ۱۱۲۸).

عده ای معتقدند که این امتیاز، مخصوص موکل است نه وکیل! بر اساس سومین ویرایش سال ۲۰۰۰ قانون نظارت بر وکلای دادگستری آمریکا^۱، موکل می تواند این مصونیت را از خود زائل نماید. مثلاً در دادرسی اعلام کند که بر اساس توصیه یا راهنمایی وکیل اقدام نموده است. وکیل نیز می تواند در دفاع از خود از مصونیت رابطه وکیل و موکلی،

1. Upjohn Co. v. United States

2. RESTATEMENT (THIRD) OF THE LAW GOVERNING LAWYERS.

چشم پوشی نماید. اما در دعوی ثالث علیه وکیل، او نمی تواند این مصونیت را زائل نماید (Schiltz, ۲۰۰۸: ۱۰۶).

به نظر می رسد ممنوعیت قانونی وکلا در اقرار به نمایندگی از موکل، در ماده ۲۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ (اقرار وکیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوا است پذیرفته نمی شود، اعم از اینکه اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به عمل آمده باشد) و بی اثر بودن آن اقرار، مصدافی از مصونیت موکل است. همچنین برابر ماده ۹ آیین نامه اجرایی لایحه استقلال قانون وکلا مصوب ۱۴۰۰، روابط کاری وکیل با موکل و مشاوره به موکل در محدوده ارتباط حرفه ای ایشان محرمانه است.

مصونیت قضایی وکیل در مواد ۱۷ و ۲۰ لایحه استقلال قانون وکلا مصوب ۱۳۳۳ و ماده واحده نحوه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ به رسمیت شناخته شده، اما قانونگذار آنرا تعریف ننموده است. با استفاده از واژه هایی مانند: «برخورداری وکیل از احترام» و «تامینات شاغلین قضاء» در موضع دفاع که در ماده واحده اخیرالذکر آمده و این عبارات: «هیچ وکلی را نمی توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع کرد، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی» در ماده ۱۷ لایحه مذکور و این حکم: «هرکس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید، به حبس تأدیبی... محکوم می گردد» که در ماده ۲۰ همان لایحه آمده؛ می توان مصونیت قضایی وکیل را این گونه تعریف نمود: «برخورداری وکیل از احترام و تامینات شاغلین قضاء در موضع دفاع و اعمال وکالتی به طوری که نمی توان او را به سبب دفاع یا اظهاراتی که نموده، تحت تعقیب قرار داد و یا از شغل وکالت، معلق یا ممنوع کرد».

مستفاد از ماده ۱۲ سند امنیت قضایی کشور مصوب ۱۳۹۹، مصونیت قضایی وکیل از تعقیب به موجب دفاع از حقوق موکل، شامل تعقیب جزایی، انتظامی و حقوقی است. مصونیت سیاسی داخلی و خارجی به این معناست که نباید وکیل را به سبب وکالت یا دفاع از موکل، از حقوق سیاسی محروم و یا در محافل سیاسی او را تخطئه نمود.

مصونیت جسمانی و روانی وکیل اعم از جلوگیری از ورود صدمات روحی و جسمی به او، از ناحیه هر شخص حقیقی یا حقوقی است. مصونیت حیثیتی به این معناست که وکلا نباید به هیچ وجه از نظر حیثیتی مورد تعرض و تهدید یا هرگونه توهین قرارگیرند، اعم از اشکال معمول و متعارف آن و یا به شکل نوین، مانند اخبار و شایعات در فضای مجازی و رسانه ای علیه ایشان.

باید در نظر داشت، مصونیت قضایی، می تواند شامل مصونیت وکیل از تعقیب انتظامی، مصونیت از مسئولیت مدنی و مصونیت از تعقیب کیفری باشد. مانند زمانی که وکیل در موضع دفاع از موکل، اتهاماتی را به طرف دعوی موکل نسبت می دهد، چنانچه این اعمال، دارای جنبه یا نفع شخصی برای وکیل نباشد، از تعقیب کیفری مصون است. به این معنا که این مصونیت شامل ردّ شکایت از سوی مرجع قضایی و عدم ورود به ماهیت است. در همین مثال، شکایت انتظامی و دعوی مدنی علیه وکیل نیز محکوم به رد است. بنابراین مصونیت قضایی می تواند ابعاد مختلف مسئولیت را اعم از مدنی، انتظامی و کیفری دربر بگیرد.

۱-۲- پیشینه دکترین مصونیت و رویه قضایی

پیشینه تاریخی نظریه مصونیت قضایی به قرن ۱۱ میلادی در انگلستان باز می گردد. محاکم در آرای خود، قدمت این دکترین را به قدمت حقوق! معرفی نموده اند و نزدیک به ۴۰۰ سال است که مصونیت قضایی در دادرسی را به رسمیت می شناسند. یک استاد تاریخ حقوق^۱ می گوید که بر اساس اسناد تاریخی، اولین قضاوت انگلیسی برای اعمال این امتیاز، در سال ۱۴۹۷ میلادی صورت گرفت. در سال ۱۶۰۶، نظریه مصونیت قضایی وکیل در یک محاکمه علیه وکیلی به اتهام افترا زدن به طرف دعوی موکل خود برای اولین بار رسماً مورد استناد قرار گرفت. در این قضیه، وکیل، در جلسه

1. R.C. Donnelly, History of Defamation, 1949 WIS. L. REV. 99, 109 n.48.

دادگاه ادعا کرده بود که طرف مقابل موکل او، یک مجرم محکوم است. اما بعداً نادرستی این ادعا محرز شد. دادگاه در رای خود اعلام نمود که «وکیل در مقام دفاع از موکل خود، مسئول درستی یا نادرستی ادعای مطرح شده از سوی موکل خود به دادگاه نیست». در سال ۱۸۸۳ میلادی نیز دادگاه انگلستان در پرونده ای^۱ حکم بر مصونیت وکیل از تعقیب قضایی صادر نمود که بر اساس آن اقدام قضایی علیه مشاور متوقف شد. این موضوع در قضیه^۲ سال ۱۸۵۹ این گونه مورد استناد واقع شده بود: «هیچ اقدام قانونی نسبت به اظهارات گفته یا نوشته شده توسط وکیل، در هیچ مرحله ای از دادرسی، قابل انجام نیست» و پیامدهای پذیرش رسیدگی به شکایت علیه وکیل، می تواند بدتر و آزاردهنده تر از زشتی این اعمال باشد و بی تردید در این کشور چنین امری، عملی نمی شود» (Anenson, ۲۰۰۷: ۹۱۹).

در راستای حل این دوگانگی که بالاخره وکیل در مقام حرفه ای خود، چنانچه مرتکب تخلف انتظامی، جرم یا بزه شود، آیا در مقابل موکل و اشخاص ثالث اعم از حقیقی یا حقوقی دارای مصونیت است یا خیر؟ حقوق امریکا به این پرسش این گونه پاسخ داده است: «وکلا دادگستری در رابطه با اظهارات رسمی خود دارای مصونیت هستند» (others & Schwartz: ۲۰۱۰: ۹۶۱).

مطابق قانون اساسی ایالات متحده، سناتورها و نمایندگان، دارای مصونیت کامل نسبت به اظهارنظرهای خود در سنا یا مجلس هستند و کسی حق ندارد ایشان را در هیچ جایی مورد مواخذه قرار دهد (Carson & Rexford, ۱۹۵۴: ۱۵۷). شهروندان یک ایالت از مصونیت و امتیازهای قانونی خود، به همان شکل در هر ایالت دیگری برخوردار خواهند بود (Carson & Rexford, ۱۹۵۴: ۱۶۹).

1. Munster v. Lamb, II Q.B.D. 588, 599 (1883).

2. Henderson v. Broomhead, 157 Eng. Rep. 964, 968 (Ex. Ch. 1859).

۳-۱- انواع مصونیت

۳-۱-۱- مصونیت نسبی^۱

مصونیت نسبی به این معناست که بعضی از مقامات رسمی یا اشخاص، دارای معافیت از مسئولیت مدنی واجد شرایط خاص هستند به شرطی که برخلاف قانون اساسی رفتار نکرده و یا حقوق بنیادین فرد را تضییع نکنند. مانند مصونیت والدین صغیر در برابر خساراتی که در اثر اهمال به زیان صغیر به بار می آورند و یا برای تربیت او را تنبیه نمایند. زوجین در خسارات مالی ناشی از اهمال یا صدمات بدنی جزئی در برابر یکدیگر دارای مصونیت نسبی هستند (Garner, 2001: 754).

بر اساس قاعده ۷۷۲ قانون نظارت بر وکلای دادگستری امریکا سال ۲۰۰۰ (ویرایش سوم)، اگر وکیل، عمداً برای عدم انجام قرارداد یا ادامه رابطه تجاری با شخص ثالث به دیگری مشاوره صادقانه بدهد، در صورت ورود زیان، مسئولیت تحت شرایط خاص یعنی مصونیت نسبی دارد. برای سایر مواردی که دارای شرایط مصونیت نسبی هستند، به ویراست دوم قانون نظارت بر وکلا، قاعده ۵۹۴ استناد می شود (Schiltz, 2008: 102).

وکیلی که در دادگاه، علیه موکل خود اظهاراتی را عنوان نموده، نمی تواند به امتیاز مصونیت مطلق در دفاع از شکایت انتظامی موکل، استناد نماید و دارای مصونیت نسبی است. در دعوی^۲ در سال ۱۹۹۸ بیان شد که وکلاء برای مشاوره حقوقی که به شخص ثالث آسیب می زند دارای مصونیت نسبی هستند. در قضیه^۳ دیگری در سال ۲۰۰۱ حکم به اینکه مصونیت نسبی وکیل در مشاوره با مراجعین خود یا کمک به آنها در امور تجاری؛ فقط شامل اقدامات انجام شده با حسن نیت می شود، صادر شد (Anenson, 2007: 917).

1. Qualified Immunity

2. Kurker v. Hill, 689 N.E.2d 833, 839 (Mass. App. Ct. 1998).

3. Sodergren v. Johns Hopkins Univ. Applied Physics Lab., 773 A.2d 592 (Md. Ct. Spec. App. 2001).

۲-۳-۱- مصونیت مطلق^۱

در نگاه کلی، مصونیت مطلق، معافیت بی قید و شرط از مسئولیت مدنی است که معمولاً شامل اشخاص حرفه ای می شود که در امور مهمی اشتغال دارند، مانند اعمال نماینده امور حقوقی یا قاضی در رسیدگی به دعاوی (Garner, 2001: 753). اما مصونیت قضایی چیزی بیش از دفاع در مقابل مسئولیت مدنی است و مصونیت مطلق یک وکیل، معافیت از هرگونه اقدام علیه او است که به خاطر هتک حیثیت طرف دعوا در اثر دفاع از موکل در هر مرحله از رسیدگی قضایی روی داده است. مصونیت، به دادگاه این امکان را می دهد که در اولین فرصت، پرونده علیه وکلا را رد کند. چون ماهیت مصونیت، منع از تعقیب و محاکمه وکیل است تا بی جهت، درگیر یک دعوی دیگر، در خلال دفاع از موکل خود، نشود (Anenson, 2007: 919).

در حقوق ایران، ماده ۵۴ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵، مصداق بارزی از مصونیت مطلق وکیل از تعقیب انتظامی است: «مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی وکلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است. در صورتی که وکیل، تعقیب شده باشد، ۲ سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است».

وکلاهی جورجیا^۲، با مصونیت مطلق در برابر اظهارات ارائه شده در دادخواست محافظت می شوند، اما برای کلیه رفتارهای دیگر در اجرای یک وظیفه قانونی، از مصونیت نسبی برخوردارند. وکلای لوئیزیانا^۳ و شاهدان، فقط مصونیت نسبی دارند ولی قضات، دارای مصونیت مطلق هستند (Anenson, 2007: 917).

باریستر^۴ (وکیل انگلیسی) که در دادگاه به دفاع از موکلین می پردازد، هنگام حضور در دادگاه و در تمام مراحل رسیدگی، ضامن اهمال و قصور در دفاع نیست و نمی توان او

1. Absolute Immunity.

2. Harrison (1982) GA. CODE ANN. §§ 51-5-7 (2), 51-5-8.

3. West (1986) LA. REV. STAT. ANN. §§ 14:49, 14:50.

4. Barrister

را توقیف نمود و نسبت به آنچه در مقام دفاع می گوید، مصونیت کامل دارد. موکل حق بازخواست او را ندارد و نمی تواند به جهت اهمال یا عدم مهارت یا عدم مراقبت، او را مسئول خسارت وارده معرفی کند و فقط می تواند حق الوکاله ای را که پرداخته، مسترد نماید. اگر دادگاه، رفتار باریستر را خلاف شأن بداند، فقط جریان را به کانون متبوع گزارش می دهد و در مقابل سرپیچی از دستورات، به پرداخت غرامت محکوم می شود و یا در برابر به کار بردن الفاظ منافی شأن در دادگاه، مورد سرزنش واقع می شود؛ اگرچه باریستر در مقابل موکلین مصون از مسئولیت است؛ ولی در مقابل کانون مربوطه مسئولیت دارد (براریور، ۱۳۹۶: ۷۶).

اما سولیسیتز^۱ یا مشاور حقوقی که وظیفه مشاوره به موکلین و مراجعین را برعهده دارد، در انجام وظایف شغلی خود، مشمول قوانین مربوط به سالهای ۱۸۳۹ تا ۱۹۸۰ میلادی است و در صورت اهمال یا قصور در انجام وظیفه در برابر موکل مسئول است (براریور، ۱۳۹۶: ۷۷).

از ۴۸ ایالت امریکا^۲ که از امتیاز مصونیت وکیل استفاده می نمایند، ۴۲ تای آنها، این قاعده را از کامن لای می گیرند و ۶ تای دیگر، این قاعده را به صورت قانون تدوین نموده اند. تقریباً همه ایالتها به جز ۲ ایالت، مصونیت مطلق را برای وکلا در دعوی قضایی به رسمیت می شناسند و فرمول آن با تغییر کمی از ایالتی به ایالت دیگر به تصویب رسیده است. آنها این امتیاز قانونی را این گونه توصیف می کنند: «وکیل، نسبت به مطالب افترا آمیزی که در موضوع مربوط به دیگری در درخواست قضایی در بدو امر رسیدگی بیان نموده، یا در حال رسیدگی، یا در طول دادرسی به عنوان بخشی از روند قضایی که به آن مرتبط است، عنوان نماید، مصونیت مطلق دارد» (Anenson, 2007: 918).

1. Solicitor

2. Paul T. Hayden, (1993) Reconsidering the Litigator's Absolute Privilege to Defame, 54 Ohio ST. L.J. 985.

۲- نظریه تعارض میان مصونیت و مسئولیت وکیل

عده ای مصونیت قضایی را در تعارض با مسئولیت وکیل و موجب سوءاستفاده می دانند و برای اثبات آن دلایلی را برشمرده اند که به مهم ترین آنها اشاره می شود.

۲-۱- دلایل طرفداران نظریه تعارض

بیزاری از تقلب نسبت به قوانین توسط افراد با کمک وکیل، به وضوح در قوانین انضباطی در عرصه دعاوی مدنی دیده می شود. استناد به قاعده پذیرفته شده مصونیت رابطه وکیل و موکل به عنوان استثناء، به طورگسترده منعکس کننده تایید برای کمک به کلاهبرداری در دعاوی علیه وکلا توسط دادگاه ها است. بسیاری از این موارد در زمینه اوراق بهادار به وجود می آید. به طوری که در دادگاه های تگزاس از وکلا به دلیل کمک و مشارکت در تقلب، شکایت می شود. در نتیجه، این گفتار منصفانه به نظر می رسد که یکی از مفسران گفته است: «وفاداری یک وکیل، تابع هنجار عمومی غالب است، هم در اخلاق و هم در قانون، ولی وکلا نباید آگاهانه به تقلب موکل کمک اساسی کنند» (Schiltz, 2008: 126).

دادگاهی با بیان اینکه وکلا در ارتباط با موکلین خود از امتیاز مصونیت در «کمک و همیاری» در مقام دفاع برخوردارند، اما در نقض وظیفه امانتداری علیه موکل، باید پاسخگو باشند، رای داد. در اینجا باید از دادگاه پرسید چگونه کمک و معاونت وکیل به موکل در تقلب علیه دیگری امری مجاز است، اما نقض امانتداری وکیل علیه موکل، اقدامی غیرمجاز محسوب می شود؟ در دعوایی^۱ در سال ۲۰۰۵ از نظر دادگاه تجدیدنظر ایالت تگزاس، وکیلی که در فعالیتهای متقلبانه شرکت می کرد، نسبت به غیرموکل، با بیان اینکه عمل مزبور با وظایف یک وکیل بیگانه است، مسئول شناخته نشد! اما دادگاه روشن نکرد که چرا برای یک وکیل، آن کار بیگانه است ولی مسئول شناخته نشد؟ به نظر می رسد دادگاه با این کار به تقلب توسط وکیل کمک کرده است (Schiltz, 2008: 127).

1. Alpert v. Crain, Caton & Jones, P.C., 178 S.W.3d 398, (Tex. App.2005)

شاید طرفداران نظریه عدم مصونیت قضایی یا وکیل به ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ استناد می نمایند که بیان نموده: «جامعه، این حق را دارد که هرکدام از مأموران و مسئولانی که در خدمت همگانی هستند را بر مبنای مدیریتشان مورد بازخواست قرار دهد». همچنین در ماده ۳۱ آن آمده: «جرائم نمایندگان مردم و اعمال آنها، هرگز نباید بی کیفر بماند؛ هیچکس حق ندارد خود را از دیگر شهروندان مصون تر بشمارد». و یا بر اساس اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران، مردم از هر قوم و قبیله ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و به طور یکسان مورد حمایت قرار دارند. از سوی دیگر به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (حبیب زاده و اسدی، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

منشأ مصونیت، محافظت وکیل از مسئولیت مدنی ناشی از افتراء است. اما نسبت به سایر دعاوی نیز گسترش یافته؛ که شامل سهل انگاری، نقض رازداری، سوء استفاده از فرآیند دادرسی، تحمیل فشار روانی، جریحه دار کردن عواطف، تجاوز به حریم خصوصی، حيله مدنی، تعارض منافع، تقلب در قوانین و در برخی موارد، طرح دعاوی واهی که اکثریت قاطع حوزه های قضایی که این قاعده را پذیرفته اند، فرمول مصونیت مطلق را که به صراحت محدود به افتراء بود را به سایر دعاوی گسترش می دهند. به همین دلیل بعضی از حقوقدانان معتقدند: «باید از دور زدن وکلا به شیوه نوین جلوگیری کرد. دادگاه ها در گسترش دایره شمول مصونیت برای حمایت از اظهارات، رفتارها، و شرایط برخلاف نظر طراحان اولیه آن در قرون وسطی انگلیسی، عمل می نمایند» (Anenson, 2007: 927).

وکلا دلیل کمی برای ترس از قرار گرفتن در معرض مسئولیت برای اقدامات خود دارند. یکی از نظریه هایی که در این راه به وکلا کمک شایانی می کند، نظریه همیاری و کمک به موکلین در نقض تعهد نسبت به اشخاص ثالث است. بر اساس بخش ۸۷۶ (الف) مقررات نظارت بر وکلای امریکا، مسئولیت، فقط به کسانی که درگیر در دادرسی هستند

تعلق میگیرد. البته سوء رفتار وکیل و مسئولیت ناشی از خیانت یا نقض امانتداری بر اساس بخش ۸۷۶ (ب)، استناد به این دفاع را دشوار میسازد. زیرا امین، وظایف مستقیمی را در امانتداری نسبت به طرف خود برعهده دارد. اما در مورد شخص ثالث آسیب دیده، هر موردی که در آن شخص ثالث ادعا کند که وکیلی با موکل خود علیه او توطئه کرده، این احتمال وجود دارد که وکیل با تمسک به قاعده مصونیت نماینده، از محدوده مسئولیت فرار کند (Schiltz, 2008: 140).

یکی از اساتید حقوق^۱ در مقاله ای با عنوان «تجدید نظر در مصونیت مطلق وکیل از افترا» خواستار حذف آن شد. نظر او تا حدی با این نظریه که می گوید این امتیاز برای محافظت از وکلا در برابر سوال در مورد وضعیت ذهنی (سوءنیت) ایشان نسبت به افترا در نظر گرفته شده است، مطابقت دارد. زیرا وکلا در حال حاضر مشمول بازخواست های انضباطی یکسانی هستند. او نتیجه می گیرد که مصونیت مطلق، وقتی به عنوان محافظت از وکیل علیه طبقه خاصی از شاکیان در نظر گرفته شود، غیر ضرور و ناعادلانه است (Anenson, 2007: 924).

هدف از تنظیم گری هر حرفه، حفظ شاغلین شایسته آن حرفه است، به خصوص در مواردی که عدم وجود آن می تواند صدمات جبران ناپذیری ایجاد کند. اقدامات نظارتی، چنین تضمینی را بوجود می آورد. اما در عین حال از محدودیت های غیر ضروری عرضه در بازار جلوگیری می کند. نتیجه بعدی آن می تواند به معنای قیمتهای بسیار بالاتر و تعداد ناکافی افراد متخصص باشد. متأسفانه، تفویض قدرت به وکلاء برای تنظیم گری خود، منجر به سیستم باخت/باخت بدون مسئولیت در برابر عملکرد ناکارآمد شده و عرضه مورد نیاز بازار را نیز کاهش داده است (others & Fellmeth, 2019: 193).

به همین دلیل، کانون های تنظیم کننده وکلا می گویند:

1. Professor Hayden, (1993), Reconsidering the Litigator's Absolute Privilege to Defame, 54 OHIO ST. L.J. 985, 1043.

الف) نباید سهل انگاری و کیل را مبنای معمول برای تخلف انتظامی دانست!
 ب) بیمه قصور باید منتفی شود تا به صورت مؤثری از پیگیری جبران خسارت ناشی از سهل انگاری، توسط موکلین جلوگیری کرد!
 ج) نباید اجازه داد موکلینی که در اثر سوء رفتار و کیل آسیب دیده اند از منابع مالی مقررات «حمایت از موکل» بهرمنند شوند!
 د) وکلا نیازی به «آموزش حقوقی» پس از صدور مجوز در حوزه فعالیت خود ندارند.
 ه) هرگز وکلا را در حوزه کاری که مصرف کنندگان به آنها اعتماد کرده اند، مورد آزمون قرار ندهیم.
 و) با بی اعتنائی به فناوری جدید که موجب حل مشکلات قانونی مشتریان با هزینه کمتری می شود، به اتکای کامل مصرف کننده به وکیل غیرقابل دسترس و گران کمک کنیم! (others & Fellmeth, 2019: 194).

هیچ حوزه ای از مقررات دولتی ضد تراست فدرال مصونیت ندارد، حتی حرفه های حقوقی. دادگاه فدرال امریکا در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که هر نهاد عمومی تحت کنترل قوانین «شرکت کنندگان فعال بازار» در یک حرفه تحت نظارت، یک نهاد مستقل برای نظارت بر خودش نیست و باید زیر نظر یک نهاد مستقل دیگری برای اهداف ضد تراست قرار بگیرد. اما با گذشت ۴ سال، هنوز وکلاء بدون هیچ نظارت خارجی، با نادیده گرفتن تهدید جنایی و مسئولیت مدنی، همچنان خودانتظامی می نمایند و این برخلاف مقررات ضد تراست است. هیچ حوزه ای از حوزه های ایالتی به اندازه حرفه وکالت، قانون ضد انحصار فدرال را آشکارا نقض نمی کند! (others & Fellmeth, 2019: 233).

مخالفتان خصوصی و محرمانه بودن وظایف وکیل، معتقدند شناسایی تکالیف وکیل در مقابل اشخاص ثالث، منجر به کاهش خسارات و آسیبهای ناشی از دادرسی می شود. زیرا وکیل می تواند با به کارگیری رفتار و تلاشی محتاطانه از بسیاری از آسیبها نظیر اطاله دادرسی جلوگیری نماید. افزایش مسئولیت وکلا منجر به نمایندگی توأم با دقت و

به کارگیری درجه بالاتری از احتیاط حرفه ای خواهد شد و اینجاست که وکیل در نقش یک مشاور یا راهنما ظاهر نمیشود. بلکه وظایف جدی تری دارد و این در نهایت به سود جریان رسیدگی عادلانه خواهد بود (صفایی و کریمی لاریمی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

در صورت بروز خسارت، این پرسش که آیا رفتار شخص، متعارف بوده یا خیر، نسبت به مصون بودن از مسئولیت، برتری دارد (others & Schwartz: 2010: 1149). حتی مامورین پلیس فدرال هم نمی توانند در مقابل خساراتی که در نتیجه یک رفتار غیراصولی برای زیان دیده بوجود آمده، دفاع نمایند. وکلا نیز از این قاعده مستثنی نیستند (others & Schwartz, 2010: 1196).

دادخواهی، حق مسلم هر فرد است و تضمین این حق و اصل دسترسی به مرجع قضایی ایجاب می کند تا جریان رسیدگی و حق دادرسی اشخاص، به ویژه در رسیدگی های کیفری و تحقیقات مقدماتی که با تحدید حقوق و آزادی های شهروندان مواجه می شود، با تدابیر مختلفی، مورد حمایت قرارگیرد. از این رو قانونگذار، محرومیت افراد ملت از حقوق مقرر در قانون اساسی را جرم انگاری نموده و ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ عدم قبول شکایت یا رسیدگی یا صدور حکم را برخلاف صریح قانون و قابل مجازات دانسته و از این طریق حقوق شکات و بزه دیدگان را تضمین نموده است (گلدوست جویباری و باقری نژاد، ۱۳۹۲: ۷۶).

در بیانیه مجدد (سوم) قانون نظارت بر وکلای دادگستری ۲۰۰۲ آمریکا آمده: «وکیل، در قبال موکل یا غیرموکل مسئول است. مانند زمانی که یک غیر وکیل در شرایط مشابهی قرار می گیرد». این فرض، یک امر ثابت شده در دادگاه است، تقریباً به همان روشی که در مورد بقیه اعمال می شود، اصول مسئولیت مدنی باید در مورد وکلاء اعمال شود (Schiltz, 2008: 77).

دادگاه ها در تضاد با قانون فوق الذکر معتقدند که قراردادن وکلا در معرض مسئولیت مدنی، نامناسب و نابخردانه است و به وکلا «امتیازات ویژه ای» داده اند

تا برای محافظت از آنها در برابر این شکل از مسئولیت عمل کند. در دعاوی مسئولیت علیه وکلا، همگی شامل ادعاهایی هستند که وکلا در نقض تعهدات موکلین خود علیه اشخاص ثالث کمک کرده بودند، اما هریک از آن آراء، دارای نظرات حاوی زبان منعکس کننده حمایت قضایی برای یک اصل فراتر بوده و وکلا به تنهایی تقریباً از هرگونه مسئولیت برای کمک به موکل در نقض تعهد در مقابل ثالث، مصونیت داشته و حمایت می شوند (Schiltz, 2008: 78).

احکام اعطای امتیازات حمایتی و مصونیتی وکلا به شیوه فوق، مطمئناً این درک را در عامه مردم ایجاد میکند که وکلا به طور ناعادلانه در حال بازی قانونی هستند و سیستمی برای محافظت از خود فراهم کرده اند که برای غیر وکیل، گریزی نیست و در درازمدت چنین احکامی، احترام به نظام حقوقی را کاهش میدهد (Schiltz, 2008: 79).

اجازه شکایت از وکیل به دلیل کمک به موکل در نقض تعهدات امانی در مقابل اشخاص یا سایر تخلفات، به معنای قرارداد آنها در معرض مسئولیت نامحدود نیست. وکلاء تقریباً مصونیت کاملی نسبت به مسئولیت خود در دعوی قضایی دارند و مسئولیت کمی که در آن عرصه دارند، ناشی از دلایل سنتی تعقیب بر مبنای سوء قصد است. مثل بقیه نمایندگان، وکلا کاملاً آزادند تا بدون مجازات، به نقض قرارداد موکلین خود در مقابل دیگری کمک کنند! وکلا از تمام ابزارهای دادرسی در دفاع مدنی معمول نسبت به شکایت اشخاص ثالث بهرمندی کامل دارند و اعطای مصونیت بیشتر به آنها ناعادلانه است (Schiltz, 2008: 139).

۲-۲- دلایل مخالفین نظریه تعارض

این گروه پس از بیان ضرورت‌های مصونیت در دفاع، به موارد قانونی و رویه قضایی اعطای این امتیاز قانونی می پردازند و در پایان، برای رفع هرگونه تعارض، به عوامل ایجادکننده تعادل و موارد شمول آن اشاره می نمایند:

۱-۲-۲- سیاست قضایی کامن لا

سیاست عمومی مصونیت قضایی که زیربنای مصونیت مطلق است، توسط دادگاه ایالت اوهایو به این شرح تبیین شد: «اساسی ترین هدف نظام قضایی ما استطاعت مالی اصحاب دعوی است. فرصتی برای بحث آزادانه و کامل در مورد تمام جنبه های مختلف یک پرونده به منظور کمک به دادگاه در تشخیص حقیقت است تا تصمیمی که میگیرد هم منصفانه و هم عادلانه باشد. در عین حال تحمیل یک امتیاز مطلق در دادرسی ممکن است مانع از جبران خسارت شود. اما مخالفت با این قاعده، بی جهت وکلا را از پیشبرد منافع موکلین خود به دلیل نقض احتمالی قانون مسئولیت حرفه ای منصرف نموده و دادگاه ها را با انبوهی از دعاوی مختلف در سایر مراحل قضایی مواجه می نماید». دادگاه می افزاید: «اگرچه ممکن است نتیجه، در برخی موارد ناخوشایند باشد و یک طرف، از دعوای بدون ارجاع قانونی آسیب ببیند، اما راهکار جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی از امتیاز ارائه شده توسط وکلا، در نظر گرفته شده، تا مقام قضایی رسیدگی کننده بتواند وکیل را در صورتی که خارج از حدود قانونی رفتار نماید، متوقف سازد». همانطور که رای فوق تاکید نموده، دادگاه ها تشخیص داده اند که علاقه به حفظ یکپارچگی نظام وکالت بیشتر از هر چیزی حتی منافع مالی طرفی که توسط وکیل رقیب خود آسیب دیده، مهمتر است (Anenson, 1921-920:2007).

مصونیت قضایی در حمایت از وکلای مدافع، سه هدف را برای حفظ نظم عمومی دنبال می نماید: در درجه اول، مصونیت، از حقوق موکلینی محافظت می کند که نباید هراس داشته باشند که با معرفی کردن وکلای خود، ممکن است تحت تعقیب دعوای ناشی از عملکرد وکالتی قرار بگیرند. منطق این است که وکیلی که برای دفاع آماده می شود، بدون ترس از اقدامات تلافی جویانه ناشی از افتراء، عمل نماید، وگرنه تلاش های او در دفاع از موکل کاهش می یابد. اختلال و یا تخریب رابطه وکیل و موکل در اثر دعوی علیه وکیل، دلیل دومی است که مصونیت قضایی وکیل را توجیه می کند. اگر طرفین بتوانند

دعوی متقابل اقامه کنند و موجب عزل وکیل رقیب شوند، روند قضایی به خطر می افتد. وجود راه حلی غیر از دعوی خسارت، سومین دلیل برای مصونیت مطلق است. این راه حل جایگزین، شامل انواع محدود دیتهایی است که می تواند توسط دادگاه ها اعمال شود. براساس قواعد دادرسی مدنی^۱ ایالات متحده و اختیار ذاتی دادگاه ها در تعقیب انضباطی، دولت و کانونهای وکلای محلی، مجازات هایی را اعمال می کنند. قواعد ۱۱، ۲۶ و ۳۷ در حالیکه دادگاه ها مجازات نقدی با فراوانی بیشتر وضع می کنند، متضمن تنبیهات دیگر، مانند توبیخ، الزام به حضور در کلاسهای آموزشی و تعلیق موقت وکیل از فعالیت حرفه ای است (Anenson, 2007: 927-928).

وکلا به دلیل تخصصی که دارند، پناه امنی برای موکلین محسوب می شوند. بنابراین باید اعمال آنها را با حسن نیت تعریف و سنجش نمود (Humbach, 2011: 453). چون اعمال و مساعی وکیل بر پایه حسن نیت فرض می شود، برای همین، مورد حمایت کامل قوانین حمایتی قرار می گیرد (Humbach, 2011: 454).

اعطای مصونیت به وکیل، برخلاف اصل تساوی افراد در برابر قانون نیست و درحقیقت برای حفظ حقوق افراد جامعه در دادخواهی و دفاع است. این سیاست در بخش ۴۷ قانون مدنی کالیفرنیا^۲ نیز متبلور شده؛ با این بیان که به طرفین دعوا «حداکثر آزادی» در دسترسی به دادگاه ها برای تامین حقوق خود و دفاع از خود، بدون ترس از آزار و اذیت توسط اقدامات تلافی جویانه در دعوی داده میشود. این مصونیت، بخشی جدایی ناپذیر از سیاست عمومی است که به «همه خواهان ها هر چند جسور و شرور یا با فضیلت و ترسو؛ برای تضمین دسترسی به دستگاه عدالت با هر شکایتی، درست یا نادرست، واقعی یا ساختگی، که به دنبال قضاوت هستند، تعلق می گیرد (Anenson, 2007: 924).

1. Federal Rules of Civil Procedure (2000).
2. California Civil Code section 47.

بر اساس تفسیر حقوقی اصل ۴ منشور اخلاق قضایی فدرال امریکا، اصلاحی سال ۲۰۱۴، قاضی می تواند در محدوده قانون قابل اطلاق و لازم الاجرا، مخالفت خود را با تعقیب و پیگرد وکلا و قضات در هر جایی که باشند اعلام نماید، مشروط بر اینکه بر اساس یک تحقیق متعارف به این نتیجه برسد که مغایرت مسئولیتهای حرفه ای وکیل یا قاضی با سیاستها و شیوه های حکومتی بوده که آنها را تحت تعقیب قرار داده است (شکوری فرد، ۱۳۹۹:۴۵).

۲-۲-۲- حفظ امنیت جانی، مالی و حیثیتی وکیل

وکلا به اقتضای شغلشان اغلب دیگران را عصبانی می کنند و این عصبانیت ممکن است موجب اقدامات قانونی صرفاً تلافی جویانه شود (Jonas & Matefi, 2010: 213).

برخی معتقدند که چون ماهیت وکالت، فرآیندها و گفتمان دادگاه، تشریفات سنگین پیش از محاکمه، زمان کم در دفاع و بار بیش از حد دادگاه و اطلاع توسط حریف، برای وکلا، نومیدی و نارضایتی را به دلیل محدودیتهای اعمال شده حرفه ای را در پی دارد، باید مورد حمایت قضایی قرار بگیرند. از میان اصحاب دعوی، بیشترین توجه به وکلای دعوای منقلب شده (انقلاب دعوی) معطوف میشود. وضعیت دیگری که منجر به دعوای متقابل میشود زمانی است که طرفهای زیان دیده فکر کنند دارایی شان در این منازعه، توسط وکلا و حاکمیت سلب شده! و بدین سبب علیه وکیل اقدام نموده و مشکل اخلاقی تشدید می شود. اگر وکیل، به وکالت موکل خود ادامه دهد، احتمال تضاد منافع را در اثر دعوی حقوقی علیه او ایجاد می کند و اگر لازم بداند که برای دفاع موفق، روابط موکل را افشا کند، استراتژی او زیر سوال رفته و منافع موکل خود را به خطر می اندازد و موجب خاتمه رابطه وکیل و موکلی می شود (Anenson, 2007: 922, 924).

۲-۲-۳- لزوم استقلال وکیل در موضع دفاع

منظور از استقلال، فراهم بودن شرایط لازم برای انجام فعالیت حرفه ای وکیل در طرح دعوا و دفاع از حقوق موکل است. استقلال در این مورد، با عدم مداخله دولت و سایر مراجع ذیربط حاصل میشود. عمدتاً به منظور تضمین این استقلال، حسب مورد اقدامات ایجابی دولت، ضروری انگاشته می شود؛ برای مثال، می توان به تکالیف دولتها در برخورد با عوامل تحدیدکننده آزادی عمل وکلا در انجام وظایف حرفه ای ایشان اشاره کرد (فراهانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲).

تعریفی که توصیه نامه شورای اروپا در این زمینه ارائه داده، مفهوم استقلال وکیل را به ساده ترین وجه بیان کرده است: «آزادی انجام حرفه، بدون هرگونه دخالت نامناسب»؛ همانطور که ملاحظه میشود در این توصیه نامه از عبارت «دخالت نامناسب» استفاده شده که سرآغاز نظریه پردازیها پیرامون تعیین مرز میان دخالت نامناسب با دخالت مناسب است (فراهانی و دیگران، ۲۳: ۱۳۹۹).

در دعوایی^۱، دادگاه ایالتی کالیفرنیا اعلام نمود: «تهدید شکایت از وکیل، باعث ایجاد یک اثر سردکننده غیرضرور بر وکیل می شود». همین استدلال در مورد قضات هم بیان شده: «دلیلی که اغلب بر آن تاکید شده این است که ترس از انتقام جویی، استقلال قاضی از طرفین را تحت الشعاع قرار داده، درحالی که باید آزادانه و بدون ترس از آزار و اذیت طرفهای ناراضی دعوی، قضاوت کند» (Anenson, 2007: 922).

برابر ماده ۱ قانون خدمات حقوقی (۲۰۰۷) انگلستان، اشخاصی که در دادگاه حضوری یابند باید در مقابل دادگاه با استقلال عمل نمایند (حبیبی، ۱۳۹۶: ۳۰).

بنابراین ابتکار موسسه حقوق امریکا^۲، با همکاری موسسه بین المللی متحدالشکل کردن حقوق خصوصی رم^۳ در سال ۲۰۰۵ مشترکاً اقدام به تنظیم و تصویب اصول آیین

1. Umansky v. Urquhart, 148 Cal. Rptr. 547, 549 (Ct. App. 1978).

2 American Law Institute (ALI).

3. International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT).

دادرسی فراملی^۱ نمودند که بتواند در رسیدگی به دعاوی تجاری بین المللی مورد استفاده قضاات یا داوران قرار بگیرد (غمامی و محسنی، ۱۳۹۶: ۱۰). اصل ۴ آن در مورد استقلال وکیل است؛ به صورتی که استقلال حرفه ای وکیل باید محترم شمرده شود. باید مسئولیت حرفه ای وکیل نسبت به حفظ اسرار موکل در موقع ایفای مسئولیت دفاع آزادانه از موکلش رعایت شود (امینی، ۱۳۹۲: ۲۴).

بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون نمونه رفتار حرفه ای وکلای دادگستری کانادا ویرایش ۲۰۱۷ مصوب مجمع کانون های وکلای کانادا، وکیل باید بدون ترس، هر موضوع، استدلال یا پرسشی را که فکر می کند در پیشبرد پرونده لازم است به عمل آورد، هر چند خوشایند نباشد. وکیل باید برای انجام این تکلیف، با انصاف، احترام و قانونمداری توأم با درستکاری، حسن نیت و فروتنی در برابر دادگاه عمل نماید.

در حقوق امریکا استقلال طرفین به معنای حفظ برابری و تساوی طرفین در دفاع است. مطابق با بندهای ۱ تا ۶ اصل ۳ منشور اخلاق قضایی ویرایش ۲۰۱۴، قاضی باید در نهایت بیطرفی، منصفانه و در نهایت ادب و احترام به اظهارات و مدافعات طرفین و وکلای ایشان به طور مساوی، با صبر و حوصله گوش فرا دهد و اسناد و ادله کتبی و شفاهی ایشان را که مرتبط با پرونده است، ثبت و ضبط نماید (شکوری فرد، ۱۳۹۹: ۳۱).

از نظر بعضی از حقوقدانان، استقلال وکیل به معنای حفظ موضع برابری توأم با احترام، در برخورد با قاضی است و وکیل مجرب باید بدون توجه به چگونگی رفتار قاضی، الگوی رفتاری خود را [انجام دفاع با رعایت احترام و از موضع برابر] حفظ نماید (کشاورز، ۱۴۰۰: ۵۳).

یکی از مظاهر استقلال وکلا در حقوق امریکا و کانادا، قبول وکالت اشخاص و استعفای آزادانه از آن است. قبول وکالت، اجباری نیست و وکیل می تواند پس از قبول وکالت یا درائنی آن استعفا دهد و نمیتوان او را از استعفا منع نمود. مگر در مواردی مانند

1. Ali/UNIDROIT Principles of Transnational Procedure.

وکالت همزمان موکل و طرف مقابل او، تعارض منافع در وکالت، قرابت سببی و نسبی با دادرس پرونده که استعفای وکیل، اجباری است. اما در حقوق انگلستان، وکلا ملزم به قبول وکالت از جانب مراجعین بوده و تحت شرایط خاصی می توانند از قبول وکالت امتناع نمایند (فراهانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲ و ۳۳).

در حقوق ایران، وکیل در انتخاب موکل، آزادی کامل دارد و می تواند با اختیار، هر پرونده ای را برای وکالت بپذیرد یا رد نماید. البته استثنائاتی وجود دارد، نظیر وکالت تسخیری و معاضدتی، محدودیتهای مربوط به صلاحیت کارآموزان، ممنوعیت وکالت در پرونده ای که وکیل نسبت به آن سابقا اظهار نظر کتبی نموده یا دادرس از اقوام درجه یک یا همسر وکیل باشد.

همچنین طبق ماده ۷ آیین نامه اجرائی لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۴۰۰، وکیل، در مقام دفاع، استقلال دارد و باید بتواند به صورت حرفه ای و آزادانه از موکل خود دفاع و هیچ مرجعی نمی تواند این استقلال را نقض نماید.

۴-۲-۲- دوام و قوام نظام حقوقی و قضایی

وکلا، نگاهبانان نظام حقوقی ما محسوب می شوند (Schrug & Lerman, 2018: 99). در قاعده ۵۸۶ اصلاحیه دوم قانون مسئولیت مدنی ۱۹۷۹ ایالات متحده، تصریح شده که مصونیت قضایی براساس سیاست عمومی تضمین حداکثر آزادی برای وکلا به عنوان «افسران دادگاه»، تاسیس شده تا بتوانند عدالت را برای موکلین خود تضمین نمایند. به همین دلیل دادگاه تجدیدنظر آرگون درخواست پیوستن وکیل رقیب به عنوان خواننده «دعوی ثالث» را رد کرد و عنوان نمود که «این کار، عوارض غیر ضرور و غیر قابل کنترلی را به دعوی تزریق می کند». در مورد مشابه، رد «دعوی متقابل^۲» علیه وکیل

1. Realco Services, Inc. v. Holt, 479 F. Supp. 880 (E.D. Pa. 1979), the district court denied a motion to join the adversary's attorney as a third party defendant.

2. Commercial Standard Title Co. v. Superior Court, 155 Cal. Rptr.393, 400 (Ct. App.

خواهان توسط دیوان عالی امریکا در سال ۱۹۷۹ به این دلیل بود که «پذیرش دعوی متقابل علیه وکیل طرف، عملاً به خواننده اجازه می دهد تا وکیل را مجبور به استعفا از سمت وکالت خواهان نماید» (Anenson, 2007: 926).

علاوه بر کاهش جریان احتمالی اطلاعات از سوی مدیران شرکت به وکلای شرکت، بخش ۳۰۷ مقررات کمیسیون امنیت بورس و اوراق بهادار ۲۰۰۲ امریکا، احتمالاً به طرق دیگر مانع از اثربخشی وکیل می شود. یک وکیل آگاه که از رابطه اعتماد و اطمینان برخوردار است، بهترین موقعیت را دارد تا بر رفتار مدیران شرکتی که وکالت آن را بر عهده دارد، تأثیر بگذارد. این یک دلیل دیگری بر ضرورت اعمال مصونیت در رابطه وکیل و موکل است (Rosen & Fisch, 2003: 1128).

قائل شدن مصونیت مذاکرات وکیل و موکل، با ایجاد منطقه ای از حریم خصوصی بین تصمیم گیرندگان شرکتی که وکیل، وکالت آنرا بر عهده دارد، خودانتظامی وکیل را در شرکت تقویت می کند و توانایی وکیل شرکت را برای انطباق اقدامات خود با قانون افزایش می دهد (Rosen & Fisch, 2003: 1129).

برابر یک تحقیق صورت گرفته در اروپا مبنی بر دسته بندی حقوقدانان با توجه به تخصصهای قانونی هر حرفه با عنوان دوگانگی نگرش و تجربه، وکلای دادگستری از حیث تاثیرگذاری علمی و تجربی در دانش و کاربرد حقوق، در سطحی همتراز و گاه بالاتر از قضات قرار گرفته اند. بنابراین چنانچه وکیل در نهایت ادب و احترام و عدم استفاده از الفاظ سخیف یا سبک، اظهاراتی را از جانب موکل بیان یا اتهامی را به شخصی منتسب نماید و یا نظر علمی خود را پیرامون قضیه اعلام نماید، نباید مورد تعقیب واقع شود و یا به دلیل دفاع از شخص خاصی تخطئه شود (Novak, 2016: 34).

وکلا در ارتباط با عموم یا پاسخ به سوالات حقوقی، نهایت ادب و احترام را به کار بسته و نحوه تعامل و قضاوت های ایشان نباید طرفدارانه یا برای کسب منفعت شخصی

(denying Cross Complaint against plaintiff attorney). 1979)

باشد و موجب از بین رفتن اعتماد مردم به وکلا، کانون یا دادگستری شود. در نظام کامن لا، قضات و رویه قضایی نقش بسیار مهمی در قانونگذاری بازی می کنند. در عین حال، حقوقدانان برجسته و دانشگاهی به ویژه در کانادا، به قانونگذاران این توجه را می دهند که از تجارب، عملکرد و نظرات وکلای دادگستری در بهتر شدن قوانین استفاده نمایند (Carsley, 2020: 1).

در نظام حقوقی کامن لا برای حفظ عدالت اجتماعی، وکلاء نه تنها در واکنش نسبت به معضلات جامعه و محیط اجتماعی، مسئولند بلکه بابت این مسئولیت، مورد سوال قرار می گیرند. (Sparks & others, 2021: 373).

مطابق با ماده ۲۱ قانون نمونه رفتار حرفه ای وکلای دادگستری ۲۰۱۷ کانادا، اولاً- امروزه نقش وکلا در آگاهی عمومی از حقوق و بهبود درک عمومی از مسائل حقوقی در جامعه بسیار مهم است و وکلا موظفند با اظهارنظرهای حقوقی یا تخصصی خود در منظر عموم، موجب آگاهی و جلب اعتماد نسبت به وکلا و دادگستری شوند. ثانیاً- دفاع یا پیگیری وکلا از تعدیل یا تغییر در قانون و سیاستهای دولت یا قانونگذار در بهبود و ارتقاء سطح حقوقی جامعه از عمده فعالیتهایی است که به وکلا واگذار شده و باید به بهترین نحو ممکن انجام شود. اما این امر بدون قائل شدن مصونیت برای وکلا محقق نخواهد شد.

۵-۲-۲- حدود و ثغور مصونیت قضایی

دادگاه عالی تگزاس در نظریه^۱ مورخ ۲۶ / ۰۱ / ۲۰۱۵ عنوان داشته: «وکلا نسبت به اعمالی که در ارتباط با دفاع از موکل و در مقام نمایندگی در برابر دیگر افراد، مرتکب می شوند، از مسئولیت مدنی، مصون هستند. این مصونیت شامل خطای وکیل در حین

1. Cantey Hanger v. Byrd, Visited on 2023-09-29: <https://www.texasbar.com/AM/Template.cfm?Section=articles&Template=/CM/HTMLDisplay.cfm&ContentID=55712>

انجام وظیفه حرفه ای در ارتباط با دعوی موکل علیه افراد نیز میشود. اما تدلیس، مشمول مصونیت وکیل نمی شود». امتیاز مصونیت در دادخواهی به فرآیندهای غیررسمی در جریان دادرسی، قبل و بعد از محاکمه نیز تعمیم داده شده است. مصاحبه با شاهدان پرونده، اظهارات در جلسات خصوصی، اظهارات در دفترقاضی و اقدامات مربوط به تحقیقات، همه ادعاها در محدوده مصونیت در دادخواهی تلقی شده اند.

اگر وکیل نسبت به موکل، مرتکب خیانت شود دارای مسئولیت ناشی از قصور حرفه ای و نقض امانت است و به همین دلیل، موکل، نیازی به اثبات ضررمادی از جانب وکیل در تخلف خیانت در امانت ندارد (Baker, 2015: 304).

مصونیت، شامل خطای کارکنان یا نمایندگان وکیل نمی شود. در اصلاحات مقررات نمایندگی ایالات متحده، این جنبه از مسئولیت ناشی از نمایندگی ظاهری در بخش ۲۶۷ نمایان می شود. در این بخش «شخصی که وانمود می کند دیگری کارمند، مستخدم یا نماینده اوست و به این وسیله سبب می شود که شخص ثالث، منطقاً به مهارت این نماینده ظاهری اعتماد کند، بنابراین مسئول خسارات وارده به این شخص ثالث است که در اثر فقدان مهارت یا مراقبت به او وارد شده، گو اینکه خود او این کار را انجام داده است» (امینی و عبدی، ۱۳۹۳: ۶۷).

در اعمال نظریه نمایندگی ظاهری بر اساس قاعده فوق، تحقق سه شرط ضروری است. نخست، برای تحقق نمایندگی ظاهری، اصیل باید در برابر اشخاص ثالث تظاهر کند که اختیاراتی را به نماینده اعطاء نموده. دوم اینکه، شخص ثالث باید با حسن نیت عمل کند. بدین معنا که منطقاً گمان کند نماینده دارای اختیار واقعی برای اقدام از جانب اصیل است و سوم اینکه، شخص ثالث باید واقعاً فریب بخورد و به تظاهر اصیل اعتماد کند (امینی و عبدی، ۱۳۹۳: ۷۱).

بهره مندی از مصونیت برای وکلای طرفین دعوی به طور منصفانه و دوسویه اعمال می شود. دادگاهها زمانی که رفتار مورد بحث، ارتباطی با پیشبرد دعوی ندارد،

استناد به آن را رد می‌کنند. به عنوان مثال، حمله به وکیل طرف مقابل، بدون هدف یا تأمین منفعت در دعوی در محدوده مصونیت در نظر گرفته نمی‌شود. یا در مثالی دیگر، یک وکیل در دادگاه فلوریدا هنگامی که وکیل طرف مقابل را به سوءاستفاده از جوه موکل خود در طی یک دعوی حقوقی متهم کرد و از دادگاه درخواست نمود که وضعیت تعلیق یا محرومیت او را بررسی نماید، از مصونیت مطلق محروم شد (Anenson, 2007: 938).

افشای سرّ موکل توسط وکیل تخلف است، اما گاهی وکیل، مکلف به افشای سرّ است. مطابق با مقررات «تسویه حساب جمعی»^۱ هنگامیکه عده ای از موکلین می‌خواهند با طرف دعوی، سازش نمایند و ممکن است حقوق سایر موکلین تضییع شود، وکیل باید این موضوع را به ایشان افشا نماید (Baker, 2015: 296).

به غیر از استثنای فوق، چنانچه در اثرافشای سرّ، به موکل ضرری وارد شود، وکیل دارای مسئولیت مدنی است. مطابق با قوانین جزایی این عمل جرم انگاری شده و وکیل، علاوه بر مسئولیت مدنی، دارای مسئولیت کیفری است (Baker, 2015: 322).

۳- رفع تعارض با ایجاد تعادل میان مصونیت و مسئولیت

هیچ شخصی دارای مصونیت مطلق بی ضابطه نیست. عدالت حکم می‌کند، همیشه میان مصونیت و مسئولیت اشخاص، تناسب و تعادل برقرار شود. فلسفه عدالت بر همین اساس بنا شده تا میان بشر، تعادل برقرار شود و اساساً جامعه بدون تعادل، دارای عدالت نیست. این تصور بشر از تعادل، به صورت فرشته عدالت که یک ترازو در دست دارد تجسم می‌شود تا این معنی را تداعی کند که همیشه باید میان عقاید متضاد، تعادل برقرار شود (Novak, 2016: 9).

مصونیت یک نهاد رسمی تا زمانی معتبر است که بدون تضاد منافع، فعالانه، بر خودش نظارت داشته باشد (others & Fellmeth, 2019: 233).

1. AGGREGATE SETTLEMENTS Rule 2006.

رفتارهایی که موجب نقض اصول دادرسی عادلانه می شوند، در پرتو مصونیت قضایی قرار نمی گیرند. از منظر اساسنامه دیوان کیفری بین الملل، نقض بسیاری از اصول بنیادین دادرسی در قالب جرایم علیه اجرای عدالت قضایی مانند ادای شهادت دروغ، اعمال نفوذ، اخذ رشوه و... نمود می یابد. براساس بند ۳ ماده ۷۰ اساسنامه مزبور، دیوان می تواند حداکثر ۵ سال حبس تعیین نماید یا جزای نقدی معین کند یا هر دو را اعمال نماید (گلدوست جویباری و باقرنژاد، ۱۳۹۲: ۸۱).

دکترین مصونیت مطلق در سراسر ایالات متحده به رسمیت شناخته شده؛ اما شرایطی که تحت آن اعمال می شود، یکسان نیست. از زمان پذیرش آن در این کشور، آنچه را که وکلا و دیگر حقوقدانان به دنبال تثبیت آن بوده اند، هنوز با مسائل مختلف حقوقی مواجه است. وکلایی که در اهانت به دادگاه محافظت می شوند، ممکن است با مجازات حرفه ای طولانی مدت نیز روبرو شوند. محرومیتها توسط دادگاه ممکن است علاوه بر بازدارندگی وکلای متخلف، در واقع، تسکین و رضایت فوری را برای طرف دعوی به همراه داشته باشد که در روز رسیدگی دادگاه، دعوی مدنی خود علیه وکیل متخلف را به طور جداگانه مطالبه می کنند (Anenson, 2007: 926).

اگر وکلا وفق اصول مراقبت حرفه ای معمول که از موکل دفاع می نمایند، عمل نکنند، در زمانی که موکل، جریمه یا مجازات می شود، وکلا نیز مسئول شناخته می شوند (Humbach, 2011: 454).

بنابر بخش ۷۶۷ مقررات اخلاق حرفه ای قضایی امریکا، دادگاه هایی که با دعاوی تلافی جویانه علیه وکیل مواجه می شوند باید تلاش کنند میان منافع رقیب و تطبیق با سیاست هایی که زیربنای قانون نفی تبعیض است توازن برقرار کنند. امتیاز یا حق مصونیت، از کسانی که به دیگران مشاوره یا یاری می دهند، محافظت می کند، به همان اندازه که زمینه ای خارج از قانون مداخله تلافی جویانه فراهم نشود، امتیاز خاصی برای مشاوره به دیگران در نقض قرارداد و زیر پا گذاشتن آن توسط مشورت گیرنده که در بخش

۷۷۲ بیانیه مجدد آمده، در نظر گرفته می شود. مانند کسی که عمداً باعث شود که شخص ثالث، یک قرارداد با دیگری را ایفا نکند یا باعث عدم ورود به یک رابطه قراردادی به طور نامناسب با دیگری نشود. بنابراین، رابطه قراردادی، با ارائه توصیه صادقانه در محدوده درخواست مشاوره، از این امتیاز برخوردار می شود؛ فارغ از اینکه این قاعده، با شرایطش، به همان شکل و شمایل اعمال شود. نکته مهم آن که این قاعده از همه مشاوران «آماتور و حرفه ای» محافظت می کند. زیرا «وکیل، پزشک، کشیش، بانکدار، مشاور سرمایه گذاری، بهره‌وری یا ازدواج و دیگر متخصصین به این مصونیت برای عملکرد بهتر وظایف خود نیاز دارند». بخش ۷۷۲ که در مورد وکلا اعمال می شود، به همان شیوه و به همان میزان برای سایر متخصصان نیز اعمال می شود (Schiltz, 2008: 101).

برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از مصونیت قضایی وکلا در کشورهایمانند فرانسه از مصونیت در موضع دفاع، یا اصطلاح مصونیت در دفاع، استفاده می شود (باری، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در دعوایی^۱ در سال ۱۹۹۸، دادگاه تجدیدنظر ایالت اوهایو اعلام نمود: «برای اجرای درخواست مصونیت وکیل، باید اجمالا بررسی شود که اقدامات وی، نسبت به طرف مقابل، براساس سوگندی که به جای آورده، با انگیزه بدخواهی نبوده باشد» دادگاه ایالتی پنسیلوانیا نیز در قضیه^۲ سال ۱۹۶۷ «تعادل» را به این شرح برقرار کرد: «ممکن است در مواقعی نسبت به یک طرف دعوی اشتباهاً آسیبی وارد شود و این امر بسیار بد است. پس برای حفظ نظم عمومی، جبران ناراحتی فرد باید تابع قانون باشد. این امتیاز محافظت از خود به همه شرکت کنندگان در دادرسی اعطا شده تا از ادعاهایی که می تواند توسط حریف، روند دعوا را مختل کرده یا افراد دخیل در آن را از انجام وظایف مربوطه بازدارد، جلوگیری نماید» (Anenson, 2007: 921-918).

1. Dawson v. Rockenfelder, No.1997CA00131, 1998 Ohio App. LEXIS 757 (Feb. 9, 1998).

2. Greenberg v. Aetna Ins. Co., 235 A.2d 576, 578 (Pa. 1967).

برای کمک به کاهش صدمات احتمالی که ممکن است از یک مصونیت مطلق ناشی شود، دادگاه‌ها فرآیند استیناف و الزامات تذکری را بعنوان ضمانت‌های ذاتی در روند قضایی ذکر کرده‌اند.^۱ قاعده‌های ۱۱ و ۲۶ قواعد دادرسی مدنی فدرال امریکا برای محدود کردن اقدامات غیرقانونی وکیل اصلاح شده‌اند. قاعده ۱۱ در درجه اول برای مجازات دعاوی واهی استناد می‌شود. وکلا موظفند که پس از یک تحقیق معقول، تصدیق نمایند که مطالب موجود در اسناد ارائه شده به دادگاه مستدل، بوده و برای اهداف نامناسبی مانند ایجاد مزاحمت یا با انگیزه اطاله دادرسی یا افزایش بی مورد هزینه دادرسی ارائه نشده‌اند. قاعده ۲۶ نیز برای مجازات تخلف افشاگری استناد می‌شود و وکلا را ملزم کرده تا گواهی دهند «امضاکننده اعتقاد دارد که مطالب تقدیمی بنا بر صحت‌ترین اطلاعات و پس از جستجوی منطقی شکل گرفته و افشای آن برای هیچ هدف نامناسبی مانند آزار و اذیت استفاده نمی‌شود» (Anenson, 2007: 925).

مساله مهمی که در مقررات اخلاق حرفه‌ای وکلا (که هدفش دربرگرفتن تمام زوایای اخلاق حرفه‌ای است) هرگز درک نشده، این حقیقت است که وکلا همیشه در مراودات خود توسط همکاران، موکلان و دادگاه‌ها تحت نظارت قرار دارند (Simmons & Hatamyar, 2004: 787).

مصونیت وکیل در ایران برخلاف قوانین کشورهایمانند فرانسه و آلمان در مقام دفاع از موکل قانونمند نیست. در این کشورها وکلاء، شهود و اصحاب دعوی، در صورت رعایت موازین متعارف در رابطه با اظهارات و مطالب خود (هرچند تند، نقادانه، و بعضاً با خشونت کلامی) از مصونیت کامل برخوردارند. اما رویه قضایی ما عملاً تکلیف را مشخص نموده و در صورت درج مطالب از زبان موکل، مسئولیت کیفری را متوجه وکیل ندانسته، مگر آنکه الفاظ و عبارات وکیل حاکی از قصد و نیت شخصی وی باشد (باری، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

1. Roberts, A. The Liability of a Litigation Attorney to a Party Opponent, 14 WILLAMETTE L.J. 387, (1978).

و یا اینکه عمداً و به دور از نزاکت، همان الفاظ رکیک و سخیف موکل را در گفتار یا نوشتار خود اظهار نماید.

بر اساس اصل ۴۰ قانون اساسی که برگرفته از قاعده فقهی لاضرر و لاضرار و نفی هرگونه حکم ضرری است: «هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» اعمال مصونیت، به صورت مطلق نیست بلکه نسبی و منصرف از تعرض به حقوق موکل یا اشخاص ثالث در اثر تقصیر با انگیزه شخصی است. همچنین مطابق با ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه شخصی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شود و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. در ادامه، ماده ۲۵۹ مقرر نموده در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا «تقصیر مقامات قضائی» باشد، دولت پس از جبران خسارت می تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. با توجه به این مقرر، مقام قضایی تا جایی مصونیت دارد که در خسارت وارد به شخص، دچار تقصیر نشود که با در نظر گرفتن تبصره ۳ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، وکلان نیز در موضع دفاع، تابع این مقرر هستند.

برآمد

مصونیت قضایی، امری فراقانونی و ناقض اصل تساوی یا برابری در مقابل قانون نیست، بلکه با محافظت از منصب وکالت یا قضاوت، وکیل و قاضی را در شرایط مساوی با دیگران در مقابل یک دسته از تهدیدات و خطرات منبث از اعمال حرفه ای مصون می‌دارد تا با عملکرد بهتری در راستای اجرای عدالت، عمل نمایند.

مصونیت قضایی موجب تضمین استقلال وکیل و قاضی شده تا بدون هراس و با اطمینان خاطر به انجام وظایف حرفه ای بپردازند و در مواقعی که به سبب انجام تکالیف حرفه ای موجب نارضایتی یا ورود ضرر به دیگران شوند، چنانچه آن اعمال بر اساس حسن نیت یا برحسب وظیفه شناسی و به دور از انگیزه های شخصی صورت گرفته باشد، دارای مصونیت هستند. در اینجا مصونیت به معنای معافیت از مسئولیت مدنی در برابر خسارت وارده، مصونیت از تعقیب کیفری به دلیل وقوع جرم در اثر بی احتیاطی و عدم سوء قصد و همچنین مصونیت از تعقیب انتظامی است.

مطابق با قوانین، مقررات و رویه قضایی ایران، اعمال مصونیت وکیل دادگستری تحت شرایط خاص و به صورت نسبی است. اما در نظام حقوقی و قضایی کشورهای انگلیس، امریکا و کانادا این امتیاز، به صورت مطلق برای وکلا در نظر گرفته شده و برای بعضی از تخلفات و جرایم مشخص، مشمول مصونیت نسبی هستند. البته در مواردی هم مصونیت، اعمال نمی‌شود مانند اقدام علیه اصول بنیادین دادرسی عادلانه و اخلاق حرفه ای.

با مشخص نمودن حدود و ثغور اعمال مصونیت قضایی در آرای محاکم کامن لا، تعارض در اعمال مصونیت در برابر مسئولیت، کمتر و جزئی تر شده و راه را برای سوء استفاده از این مزیت قانونی تنگ ترمی نماید.

در خصوص جرایم علیه طرف مقابل موکل نظیر افترا، نشر اکاذیب، توهین، اظهار برخلاف واقع، اولاً: به دلیل نمایندگی وکیل از جانب موکل و ثانیاً: به لحاظ مفروض بودن

حسن نیت در اعمال و رفتار وکیل در مقام دفاع، نمی توان او را دارای مسئولیت کیفری یا مدنی دانست. مگر اینکه سوءنیت یا انگیزه شخصی او احراز شود. در رابطه با تخلفات وکیل نسبت به دستگاه قضاء از جمله اخلال در نظم دادگاه، اعمال نفوذ ناروا و عدم رعایت احترامات، به صرف انجام این تخلفات نمی توان وکیل را مشمول مسئولیت مدنی دانست. مگر اینکه سوءنیت در کار بوده و از این منظر خسارتی به دادگاه یا اشخاص ثالث وارد شود.

منابع

الف) منابع فارسی

- امینی، سید ابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۱، ۲۳-۳۹.
- امینی، منصور و عبدی، مونا (زمستان ۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هفتاد و هشتم، شماره ۸۷، ۶۳-۹۰.
- باری، مجتبی (۱۳۹۶)، *نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری*، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتاب آوا.
- برایور، ابراهیم (پائیز و زمستان ۱۳۹۶)، بررسی نهاد وکالت در نظام حقوقی انگلستان، *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت*، سال چهارم، شماره ۸، مقاله ۳، ۵۳-۸۱.
- حبیب زاده، محمد جعفر و اسدی، فرشته (زمستان ۱۳۸۷)، مصونیت قضایی دادرسان و وکلا در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۸ شماره ۴، ۱۶۱-۱۸۳.
- حبیبی، محمود (زمستان ۱۳۹۶)، *دیدگاه های صنفی پیرامون نهاد وکالت*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ترنم قلم.
- شکوری فرد، شعله (۱۳۹۹)، *منشور اخلاق قضایی منتخب ایالات متحده امریکا*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- صفایی، سید حسین، کریمی لاریمی، علیرضا (بهار ۱۳۹۷)، مسؤولیت مدنی وکیل دادگستری در برابر طرف دعوی و حق شرعی و اخلاقی ایشان، *مجله پژوهش های اخلاقی*، سال هشتم، شماره ۳، ۱۱۱-۱۲۸.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۶)، *بررسی تطبیقی اصول آیین دادرسی مدنی*

فراملی، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 فراهانی، محمدصادق، ممتازنیا، محمدسعید، اصغریان، مجتبی، فخرآبادی، محسن، درخشان،
 داور، کدخدامرادی، کمال و همت، روح الله (۱۳۹۹)، **بررسی تطبیقی الگوهای دخالت
 دولت ها در تنظیم گری کانون های وکلا**، تهران: پژوهاک عدالت.
 کشاورز، بهمن، (۱۴۰۰)، **دفاع و استدلال شفاهی در دادگاه**، چاپ مکرر، تهران: انتشارات کشاورز.
 گلدوست جویباری، رجب و باقری نژاد، زینب (زمستان ۱۳۹۲)، مسئولیت کیفری، مدنی
 و انتظامی ناقضین اصول بنیادین دادرسی کیفری، **فصلنامه پژوهش حقوق
 کیفری**، سال دوم، شماره پنجم.

ب) منابع انگلیسی

- Anenson, T. Leigh (December 2007), Absolute Immunity from Civil Liability: Lessons for Litigation Lawyers, **PEPPERDINE University LAW REVIEW**, Vol. 31, issue 4, article 1, 2004 Hein Online, View publication stats.
- Baker, A. Lynn (April 2015) Aggregate Settlements and Attorney Liability: The Evolving Landscape, **HOFSTRA LAW REVIEW**, Vol. 44:291, Conference Held at the Maurice A. Deane School of Law at Hofstra University US.
- Carsley, Stefanie (April 2020), **Surrogacy in Canada: Lawyers' Experiences, Practices and Perspectives**, fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Civil Law, Faculty of Law, McGill University, Montreal, Canada.
- Fellmeth, C. Robert, Gramme, Fogarty Bridget & Hayes, C. Christopher (2019), Cartel Control of Attorney Licensure and the Public Interest, Sciendo licensed under the Creative Commons Attribution noncommercial NoDerivs License, **Br. J. Am. Leg. Studies** 8(2), DOI: 10.2478/bjals-2019-0006.
- Fisch, E. Jill. & Rosen, M. Kenneth (5, 2003), Is There a Role for Lawyers

- in Preventing Future Enrons? *Villanova Law Review*, University Charles Widger School of Law Digital Repository Vol. 48, Issue 4.
- Garner, A. Bryan. (2001) 4th Reprint-, *Black's Law Dictionary*, Texas, USA: West Group, ST. Paul, Minn, Dallas.
- Hatamyar, W. Patricia & Simmons, M. Kevin (2004), Are Women More Ethical Lawyers? An Empirical Study *Florida State University Law Review*, Volume 31, Issue 4, Article2.
- Humbach. A. John (2011), Director Liability for Corporate Crimes: Lawyers as Safe Haven? *Pace Law Faculty Publications*, Volume 55 N.Y. L. Sch. L. Rev. US, 438.
- Lerman, G. Lisa & Schrag, G. Philip (2018), *Ethical Problems in the Practice of Law Model Rules, State Variations, and Practice Questions*, New York, USA: Wolters Kluwer Law & Business.
- Matefi, R. & Ionas, D. (2010), THE LAWYER CIVIL LIABILITY, *Bulletin of the Transilvania University of Braşov*, Vol. 3 (52) -Series VII: Social Sciences Law.
- Novak Marko (2016), *The Type Theory of Law*, Springer International Publishing AG, Switzerland.
- Rexford, A. Frank, L. & Carson Clara (1954), *The Constitution of Our Country*, USA: American Book Company.
- Schiltz, J. Eugene (2008), Civil Liability for Aiding and Abetting: Should Lawyers Be “Privileged” to Assist Their Clients’ Wrongdoing? *Pace Law Review*. 29, 75.
- Schwartz, E. Victor, Kelly, Kathry & Partlett, F. David (2010), 12thed, *Prosser, Wade and Schwartz's Torts Cases and Materials*, New York, USA: Thomson Reuters/Foundation Press.
- Sparks, Tom, Stucki Saskia, Futhazar Guillaume & Ackerman, Bruce (December 2021), World Lawyers’ Pledge on Climate Action, *Environmental Policy and Law*, Germany Heidelberg 51 (2021) DOI 10.3233/EPL-219015, IOS Press.